

آسیب‌شناسی تهاجم فرهنگی در کارکردهای خانواده

فاطمه راهدی^۱

حجت الاسلام و المسلمین سید محضر حق‌شناس^۲

چکیده

اسلام، خانواده را رکن اصلی و هسته مرکزی جامعه می‌شناسد و آن را اولین نهادی به شمار می‌آورد که تربیت و شکوفایی نسل جوان و سرانجام ترقی ملت‌ها را در پی دارد در آن شکل می‌گیرد. این کنون همواره مورد تهاجم فرهنگ بیگانه بوده است. از این رو، سلطه جهانی غرب با هدف تسلط بر منابع ملی و مادی کشورهای اسلامی و با استفاده از تکنولوژی و ابزارهای تبلیغاتی و... سعی دارد ارزش‌های فرهنگی و دینی مسلمانان را کم‌رنگ و نقش خانواده را در تربیت صحیح فرزندان بی‌اثر سازد تا نیروی نسل جوان را در پیشرفت و بلندی کشورهای آنها راه اشاعه فساد و بی‌بند و باری اربین ببرد. این موضوع هم نگران‌کننده و هم هشدار دهنده برای خانواده‌ها و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشورهاست. بنابراین، در این نوشتار سعی شده است ابتدا کارکردهای خانواده بررسی شود، سپس عناصر و نمادهای تهاجم فرهنگی که به کارکرد خانواده آسیب جدی می‌رساند و یا بر آن تأثیر دارد، ارزیابی گردد. سرانجام به منظور حراست از خانواده و کارکرد مثبت آن، راهکارهای دینی و فرهنگی متناسب با رسالت اسلامی و اجتماعی ارائه نماید.

کلیدواژه: تهاجم فرهنگی، خانواده‌های مجاری، مدگرایی، بی‌بند و باری، ابزار

صوتی و تصویری.

* دانش‌پژوه، دوره، کارشناسی، رشته علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی.

** سطح ۴، رشته تفسیر و علوم قرآن، مدیر گروه علمی-تربیتی علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی.

فرهنگ، هویت هر جامعه را تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر، فرهنگ سرمایه معنوی هر ملت است. فرهنگ اسلام که غنی‌ترین فرهنگ‌ها و مطابق با فطرت انسان‌هاست، خانواده را در جایگاه بسیار والایی می‌بیند و آنجا را ایمن‌ترین پناهگاه انسان و شایسته‌ترین کانون برای رساندن او به رشد و کمال می‌داند. خانواده، نخستین زیرساخت جامعه انسانی است و بی‌توجهی به نقش خانواده، آسیب‌هایی جبران‌ناپذیری بر جامعه وارد خواهد کرد. به همین دلیل دشمنان اسلام که نتوانستند با کودتا، جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و... به مقاصد شوم خود برسند، این نهاد اجتماعی را نشانه گرفتند و یورش گسترده‌ای را با استفاده از ابزارهای نوین و شیوه‌های گوناگون برای براندازی نظام خانواده آغاز کردند.

مفهوم‌شناسی

تهاجم

این واژه در لغت وارد شدن بدون اجازه،^۱ حمله کردن، یورش بردن کسی یا چیزی به معنای «هجمه»، «شیخون»، «ججبال گروهی» است که مهاجمین انجام می‌دهند^۲ و در اصطلاح، مفهومی در بوم‌شناسی است و برای بیان هجوم «گونه‌ای جدید به ناحیه‌ای که پیش‌تر در تسلط «گونه‌های دیگر بوده است»^۳.

فرهنگ

فرهنگ در لغت فارسی به مفهوم «culture» در زبان انگلیسی و فرانسه شباهت دارد. «culture» از فعل لاتین «colere» به معنای «پروراند» گرفته شده است. این واژه اولین بار در قرن یازدهم میلادی در اروپا ابداع و به دو معنی «کار رفت»؛ مراسم دینی و کشت و زراعت.^۴



در زبان فارسی این واژه از دو قسمت «فر» و «هگ» تشکیل شده؛ «فر» (که پیشوند است) به معنای جلو، پیش و بالا است و «هگ» از ریشه اوستایی به معنای کشیدن است. بنابراین فرهنگ یعنی، بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن.^۵ برخی نیز «فرهنگ» را به معنای دانش، آموزش و پرورش و نیز آثار علمی و ادبی قوم یا ملتی^۶ دانسته‌اند. هر چند این واژه در غرب تعریف اصطلاحی مشخصی ندارد، مفاهیم زیر می‌تواند ما را به معنای دقیق آن رهنمون شود:

- مجموعه ساخت، باور، هر، اخلاقیات، قانون، ست و ظرفیت‌ها که فرد در جامعه کسب می‌کند.^۷

- مجموعه‌ای از شیوه‌های زندگی که برای آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.^۸

- ساسه نحوه زندگی است که هر جامعه برای رفع نیازهای اساسی خود اختیار می‌کند.^۹

با توجه به این تعاریف، فرهنگ محصول معیوی مشترک جامعه انسانی است که شامل آداب، رسوم، رفتار و باورها می‌شود که گروهی به آن معتقدند و انجام آن را بر خود لازم می‌دانند و علت برتری جامعه‌ای بر جوامع دیگر نیست.^{۱۰}

تهاجم فرهنگی

تلاش جامعه‌ای است که می‌کوشد فرهنگ خود را بر جامعه دیگر تحمیل کند، یا دست کم دگرگونی در فرهنگ آن جامعه به وجود آورد.

مظور از تهاجم فرهنگی در جوامع اسلامی این است که مهاجم بخواهد ساخت مردم را از جهان، انسان، ارزش‌هایی که به آنها دل بسته‌اند و شیوه رفتار فردی و اجتماعی آنان را به سود خود تغییر دهد.^{۱۱}

مهاجم فرهنگی همیشه ناپسند نیست. اگر جامعه‌ای فرهنگی غلط یا ارزش‌های

نادرست داشته باشد و جامعه دیگری به قصد اصلاح، بکوشد که باورهای غلط را به ارزشهای صحیح تبدیل نماید، این کار ناپسند نیست.

خانواده

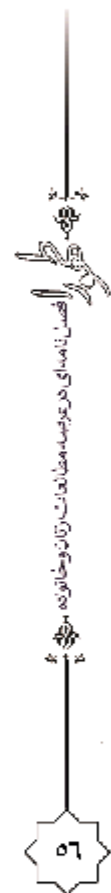
در متون دینی از خانواده با تعبیر «اهل» یاد می‌شود؛ «اهل الرجل» در ابتدا به کسانی گفته می‌شد که در مسکن واحدی گرد هم می‌آمدند، سپس به مجاز «اهل بیت مرد» به کسانی گفته شد که نسب واحد داشته باشند.^{۱۲} در فارسی «خانواده» به معنی خاندان، اهل خانه، زن، فرزند و خویشان است.^{۱۳} برای «خانواده» تعریف‌های اصطلاحی گوناگونی بیان شده که به دو نمونه بسده می‌شود:

مظور از خانواده، واحد کوچک اجتماعی است که شامل پدر و مادر و فرزندان آنها است. گاه به معنی گسترده‌تر، بستگان دور و نزدیک را نیز جزو خانواده به شمار می‌آورند.^{۱۴} در آموزه‌های اسلامی، خانواده مجموعه‌ای از افراد با رابطه‌های سببی و نسبی است که متناسب با نوع نسبت و ارتباط، نسبت به هم مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند. بر این اساس، خانواده در اسلام شامل خانواده‌های هسته‌ای و گسترده می‌شود.^{۱۵}

اهمیت فرهنگ

برای بیان اهمیت فرهنگ در خانواده، ابتدا به بیان رهنمودهایی از مقام معظم رهبری مدظله العالی می‌پردازیم:

فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی ما و شما حاکم است. به طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه به معنای وسیع آن، فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهد؛ اعم از اینکه این ذهنیت از درون آن جوشیده باشد، یا از خارج وارد شده باشد، یا با زوایایی از فرهنگ آن جامعه آمیخته شده باشد.^{۱۶}



یا کوب برو کهلوت نیز می گوید: «سه قدرت بزرگی که واقعبیت هستی بشر و روند تاریخ را تعیین کرده است، عبارتند از دین، دولت و فرهنگ». ^{۱۷} از آنجا که فرهنگ اسلام از اندیشه پیروان آن پیدا است، استکبار جهانی همواره در پی نابودی اندیشه‌های ناب اسلامی است. عناصر فرهنگ بیگانه همیشه از کشورهای دیگر وارد کشورهای اسلامی نمی‌شود؛ چه بسا این عناصر در داخل کشور و جامعه خودی وجود داشته باشد و میراث و آداب و رسوم نسل‌های قبل از اسلام به اسم اسلام وارد فرهنگ اسلامی شده باشد، ولی هیچ ارتباطی با اسلام نداشته باشد. بنابراین، ابتدا باید فرهنگ اسلامی را شناخت و آنچه را غیر اسلامی یا ضد اسلامی است از فرهنگ جدا کرد تا روشن شود که با چه چیز باید مبارزه کرد و ناخواسته عناصر اصلی فرهنگ اسلام از بین نرود. ^{۱۸}

اسلام، دین دانستن و فرهنگ

آیین اسلام، اصول ثابت و متغیری دارد که با فطرت انسان هماهنگ است و فرهنگ جهان‌شمول آن، پاسخگویی مشکلات اساسی انسان در هر زمان و شرایط است؛ از سویی معیارهای ارزشی ثابت و تغییرناپذیری عرضه می‌کند، همانند این آیه: «إِنَّ آدِیْنَ عِنْدَ اللَّهِ إِلِیْسَلامٌ...» ^{۱۹} همانا دین پسندیده اسلام است» و از سویی با دگرگونی در شرایط زندگی مردم که چه بسا ناقض شرایط پیشین است، انسان را مختار می‌داند ^{۲۰} و دگرگونی در سرنوشت و حرکت رو به تکامل او را مرهون تلاش جامعه و فرد می‌داند: «... إِنَّ اللَّهَ لَا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ یُغَیِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...» ^{۲۱} خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند...»

مقام معظم رهبری مد ظله العالی در مورد فرهنگ اسلام می‌فرماید:

فرهنگ اسلامی فرهنگ ارزشمندی است که برای یک جامعه و یک مجموعه انسانی، بالاترین ارزش‌ها را دارد و می‌تواند یک جامعه را حقیقتاً سرافراز، خوشبخت، عزیز و پیشرو کند. منتها ما قرن‌ها به فرهنگ اسلامی خود

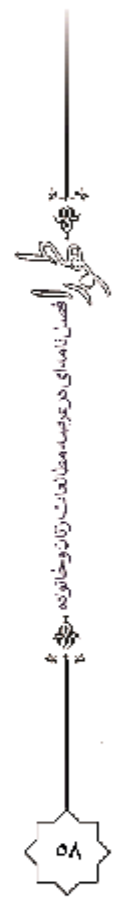
عمل نکردیم؛ از اسلام یک مشت عملیات فردی را، که بعضی آمیخته به چیزهای غلط و احياناً خرافی بود، رایج کردیم. مسئولان و مدیران کشور هم در آن دوران انسان‌های شهرت‌ران، عیاش و فلسد و بی‌فکر بودند. اگر عرضه‌ای هم به خرج دادند، عرضه‌شان در این بوده که بتوانند کمربند حکومتی خود را محکم نگه دارند... اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با بکدیگر و در معاملات معین کرده است. مانعی خواهیم اینها را از غربی‌ها بگیریم و از آنها تقلید کنیم.^{۲۳}

اسلام برای مقابله با یورش مهاجمان فرهنگی، می‌فرماید: «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۲۴} آنچه برای شما آوردیم، با قدرت بگیرید و آنچه در آن هست را یادآور شوید» و در جای دیگر می‌فرماید: «يَا بَحْتِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتِنَاهُ الْخُكْمَ صَبِيًّا»^{۲۵} ای یحیی کتاب را با قدرت بگیر و...! بر اساس دستور خداوند، در هیچ زمانی تکلیف حفظ اسلام، از انسان ساقط نمی‌شود.^{۲۵}

تبادل یا تهاجم

در تاریخ، جوامع بشری با هم تبادل فرهنگی داشته‌اند که از انعطاف‌پذیری فرهنگ‌ها سرچشمه می‌گیرد. ملتی را نمی‌توان یافت که از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بهره نبرده باشد.^{۲۶} در شرق آسیا کشورهایی مانند اندونزی و مالزی و بخش‌هایی از شبه قاره هند، پذیرش اسلام به دلیل تبلیغ مبلغان مسلمان نبود؛ بلکه رفتار تاجران و مسافران مسلمان بود که موجب تغییر مذهب آنان گردید.^{۲۷}

برخی از غرب‌گرایان در پوشش تبادل فرهنگی، به ترویج فرهنگ مبتذل غرب در میان جوانان می‌پردازد و آن را نشانه تمدن و پیشرفت می‌داند. ایسان، فرهنگ بومی و اسلامی را عقب مانده، کهنه و بدون قابلیت پیشرفت معرفی می‌کند.



پس می توان گفت تبادل فرهنگی نه فقط ناپسند و خطرناک نیست؛ که خرده‌مدانه و ارزشمند است، ولی در تهاجم فرهنگی شیطانی نهفته است که آن را خطرناک و ناپسند نموده است. برای جداسازی این دو اصطلاح، به بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی اشاره می شود:

تهاجم فرهنگی یک امر منفی است، اما تبادل فرهنگی یک امر مثبت است. یک وقت هست که یک انسان برای اینکه کمبودی را در بدن خودش برطرف کند، می‌گردد و غذا و داروی مناسب را - آن چیزی که به دردش می‌خورد - از هر جایی که گیرش آمد، پیدا می‌کند و با میل خودش آن را در کالبدش می‌ریزد. یک وقت هم هست که ما انتخاب نمی‌کنیم، دست و پایی ما را می‌گیرند یا بی‌هوشمان می‌کنند و چیزی را که خودشان می‌خواهند - نه آن چیزی که ما لازم داریم - در بدنمان تزریق می‌کنند.^{۲۸}

در علم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه ملت دیگری بگیری. هیچ اشکالی هم ندارد. «أطلبوا العلم ولو بالعين» این راه‌زار و چهارصد سال پیش به ما یاد دهند با «نظُر فی ما قال و لا تنظُر ائی من قال»، نگاه کن به سخن حکمت‌آمیز، دانش و معرفت را چه کسی می‌گوید؟ اگر سخن خوب بود آن را فراگیری. این گرفتن، گرفتن فرهنگی است ... و تبادل فرهنگی ... و این غیر از تهاجم فرهنگی است. پس تبادل فرهنگی انجام می‌دهیم تا کمال شویم؛ یعنی فرهنگ خودی را کمال کنیم، اما تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه‌کن کند... تبادل فرهنگی در هنگام قوت و زور و توانایی یک ملت انجام می‌گیرد، ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است.^{۲۹}

در مقابل پیامبران الهی که برای رشد جامعه انسانی فرستاده شده‌اند، شیاطین جن و انس نیز برای راهزنی و کارشکی وجود دارند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

وَ كَذَّبِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شِيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُرْحَبُ بَعْضُهُمْ إِلَى

بَعْضٍ.^{۳۰}

این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار داده ایم. آنها به طور سری سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به همدیگر می گفتند.

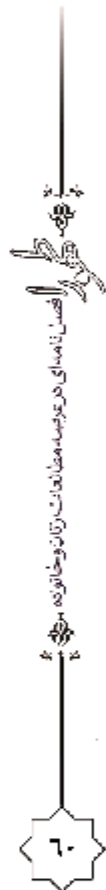
در ایران، تهاجم فرهنگی در دوران قاجاریه، و به ویژه در دوران ناصرالدین شاه و احمد شاه چیره شد^{۳۱} و در دوران رضا شاه به اوج رسید. او از عوامل مختلف برای گسترش فرهنگ غرب و برجیدن فرهنگ اسلامی بهره جست. گستاخی او به آنجا رسید که در مرکز تشیع، کشور ایران، اعلام کشف حجاب کرد.^{۳۲} از دهه دوم انقلاب اسلامی، امواج یورش فرهنگی استکبار جهانی با برنامه تر و دقیق تر آغاز شد؛ غرب و استکبار که با جنگ و کودتا و محاصره اقتصادی به اهداف شوم خود نرسید، به دلیل سرخوردگی از انقلاب، در پی ضربه زدن به آن برآمد. شیخون فرهنگی و استفاده از فناوری های پیشرفته برای ترویج فساد در جمهوری اسلامی ایران از مهم ترین اقدامات آنان بود.^{۳۳}

هستندار و مبارزه با تهاجم فرهنگی

ملت مسلمان برای مقابله با یورش ناجوانمردانه فرهنگی باید بزرگی خطر را به درستی درک کند و متوجه باشد که دشمن هویت ملی مسلمانان را از نشانه رفته و در پی کم رنگ و بی رمق کردن فرهنگ اسلامی است.^{۳۴} اگر این روند ادامه پیدا کند و کارگر بیفتد، نسل آینده که آینده سازان و نیروهای اصلی جامعه اند، نه ایمان محکم و نه شناخت دقیقی از ارزش های دینی و اخلاقی خویش خواهد داشت.

خانواده و اهمیت آن در اسلام

عالم هستی به صورت جفت آفریده شده و هرآن کریم این حقیقت را از نشانه های



تذکر و توجه به قدرت بی‌مستهای الهی می‌داند: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^{۳۵} و از هر چیزی دو نوع (تر و ماده) بیافریدیم تا مگر متذکر حکمت خدا شوید.»

از نظر اسلام، تشکیل خانواده و ازدواج، یکی دیگر از نشانه‌های خداوند معرفی شده و آن را مایه سکونت و آرامش و رحمت خوانده است:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^{۳۶}

از نشانه‌های خداوند آن است که برای شما از جنس خردتان جفتی بیافرید که در کنار لو آرامش یابید و با هم انس بگیرید و میان شما رأفت و مهریابی برقرار فرمورد. در این امر برای کسانی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌هایی است. خانواده، شالوده و هسته مرکزی تشکیل دهنده جامعه است. در آیات قرآن، به پیوند خانوادگی و احترام و اکرام پدر و مادر و نیز توجه به تربیت فرزندان اهمیت زیادی داده شده است:

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِرِئْدِيْمِ إِحْسَانًا خَلَقْتَهُ أُمَّةً كَرِيمًا وَصَّعْتَهُ كُرْهًا وَحَلْمَةً وَفِصَالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَحْمِلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ^{۳۷}

و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم. (پاد کند که) مادر (نه ماه چگونگی) با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری بود تا وقتی که طفل به حد رشد رسید، آدمی چهل ساله گشت (و عقل و کمال یافت) آنگاه سرزد که عرض کند خدایا، مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در اوست موفق دار و فرزندان مرا صالح گردان. بار آنها من به درگاه تو به دعا باز آمدم و از نسلجمان فرمان تو شدم.

در اسلام بر این نکته تأکید شده که خانواده، زمینه‌ساز رشد و کمال است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ أَخْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخِرِ أَوْ الْبَاقِي»^{۳۸} هر کس ازواج کند، نیمی از دین خود را به دست آورده پس باید در نیم دیگر تقوا پیشه کند» در این آیین، خانواده جهان‌اهمیتی دارد که بین اعمال نیک مردان و زنان متأهل با مردان و زنان مجرد، تفاوت گذاشته شده و به عبادت متأهلان، ارزش بیشتری داده شده است.^{۳۹}

کارکردهای خانواده

خانواده به همان اندازه که در تشکیل جامعه نقش دارد، می‌تواند بزرگ‌ترین نقش نیز را در خشی‌سازی یورش فرهنگی ایفا نماید که به برخی از این کارکردها اشاره می‌شود.

۱. تأمین نیازهای عاطفی

یکی از ضروری‌ترین نیازهای بشر، تأمین نیازهای عاطفی است که از آغاز تا پایان زندگی با انسان همراه است. انسان به گونه‌ای آفریده شده که هرگاه نیازها و مصالح یکدیگر را تأمین کند، رابطه عاطفی میانشان ایجاد می‌شود و رشد می‌کند. این رابطه، ابتدا بین دو همسر به وجود می‌آید و کم‌کم به والدین و فرزندان، فرزندان و بستگان و... گسترش می‌یابد.

اسلام برای ابراز عواطف خانوادگی نیز مرزی قرار داده و از افراط و تفریط بازداشته و دعوت به میانه‌روی نموده است.^{۴۰} از این رو، اسلام عاطفه و مهرورزی را به طور مطلق، محور ارزش‌های اخلاقی نمی‌داند، بلکه ارزش آن به وسیله عقل تعیین می‌شود؛ چراکه ارزش‌ها و مصالح بالاتری هم وجود دارد. خداوند می‌فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَخَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَبِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّوْنَهَا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ



وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَدَرَبْنَا عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ بِأَمْرِهِ.^{۴۱}

بگو اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و نزدیکانتان در نزد شما محبوس‌تر از خدا و رسول و جهاد در راه او هستند، پس منتظر امر خدا باشید.

اگر محبت بر اساس معیارهای والای الهی باشد، مایه استمرار زندگی، آرامش و نشاط، گذشت و ایثار و صداقت میان زوجین، تعامل سالم و تربیت صحیح نسل خواهد بود. بدین ترتیب خداوند با دعوت به مودت و رحمت، زمینه کشش روحی و وابستگی قلبی و عاطفی و تحقق محیط گرم خانواده را بستر پاک تربیت فرزندان صالح می‌شمارد.^{۴۲}

۲. تأمین نیازهای جنسی

یکی از مهم‌ترین عواملی که زن و مرد را کنار هم قرار می‌دهد و باعث پیوند مشترک آن دو می‌شود، تأمین نیازهای جنسی زن و مرد است. در اسلام، تأمین این نیاز اساس بسیاری از احکام خانواده است.^{۴۳} دانشمندان نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که مسایل جنسی و زناشویی نقش مهمی در استحکام خانواده بر عهده دارد و داشتن روابط جنسی مطلوب، از بایسته‌های زندگی زناشویی است.^{۴۴}

همسر دوستی، تدبیری خدایی است که باعث پیوند زن و مرد و در نتیجه استمرار نسل بشر است. هرآن کریم زن و شوهر را تشبیه به لباس و پوشش می‌کند: «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...»^{۴۵}... آنها لباس ستر و عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید...» با توجه به کارکردهای لباس، نقش زوج و زوجه نسبت به همدیگر از سویی و کارکرد آن دو در جامعه، به ویژه در مبارزه با تهاجم فرهنگی از دیگر سو برجسته می‌شود؛ چه اینکه اسلام برای روابط جنسی چارچوبی قرار داده، آن را قانونمند نموده و انسان باید در چارچوب خانواده و با پیروی از قواعد رفتاری ویژه، به نیازهای فطری خود پاسخ دهد تا زمینه رشد معنوی او فراهم شود.^{۴۶}

تولید نسل نیز از مهم‌ترین عواملی که انسان‌ها را به ازدواج و تشکیل خانواده وامی دارد. علاقه و نیاز بشر به استمرار نسل، فطری است و ریشه در حب ذات دارد. به این میل فطری و طبیعی در اسلام ارزش و اهمیت زیادی داده شده و همواره بر آن تأکید شده است. **قرآن کریم** می‌فرماید: «سَاوُكُمُ حَرْثُ كُفْمُ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شَيْئَمٌ...»^{۴۷} زنان شما، محل بذر افشانی شما هستید پس برای کشت به آنها نزدیک شوید...»

بستر تولید نسل در اسلام، فقط خانواده است و فرزندخواهی، مستحب **قرآن کریم** حال حضرت زکریا علیه السلام را که فرزندی ندارد و نگران آینده است، چنین بیان می‌کند: **وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَثِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَكِيلًا** * یار من از این وارثان کنونی که هستید، بیسناکم و زوجه من هم نازا و عقیم است تو خدایا از لطف خاص خود فرزندی صالح و جانشینی شایسته به من عطا فرما* که او وارث من و همه آل یعقوب باشد و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما.

بار آنها من از این وارثان کنونی که هستید، بیسناکم و زوجه من هم نازا و عقیم است تو خدایا از لطف خاص خود فرزندی صالح و جانشینی شایسته به من عطا فرما* که او وارث من و همه آل یعقوب باشد و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما.

آنچه در آیات و روایات نسبت به تولید مثل در خانواده تأکید شده، تربیت فرزندی است که جانشینی خدا را در روی زمین حفظ کند. بی تردید خانواده‌ها با پرورش فرزندان صالح و متدین می‌توانند مشمول این شعار قرآنی باشند.^{۴۹}

۳. حمایت و مراقبت

انسان موجودی نیازمند است و بدون یاری دیگران نمی‌تواند از عهده نیازهای خود بر آید. انسان‌ها نیز با استعدادهای متفاوت آفریده شده‌اند تا پاسخگوی نیازهای یکدیگر باشند. در دیدگاه اسلامی، انسان‌ها مسئول و پشتیبان یکدیگرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^{۵۰} همه شما مراقب و نگهبان همدیگر هستید و از آن بازخواست خواهید شد. فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مصداق زنده مراقبت اجتماعی است.

در آموزه‌های دینی، از کارکرد حمایتی و مراقبتی خانواده به «حصانت» تعبیر می‌شود. حصانت به معنی «حمایت و مراقبت‌های زیستی» و همه‌جبهه روانی و معنوی است. این حمایت و مراقبت شامل تمام اعضاء خانواده نسبت به هم می‌شود، ولی چون کودکان نیاز بیشتری به مراقبت دارند، بر حمایت و مراقبت از کودکان، بیشتر تأکید می‌شود.^{۵۱}

حمایت و مراقبت جبهه‌های گوناگون اقتصادی و معیشتی و مراقبت‌های روانی، عاطفی، دینی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد. در آموزه‌های دینی ما، به مراقبت‌های عاطفی بسیار توجه شده؛ زیرا فرزندان، ویژگی‌های پسندیده‌ای چون مهربانی، نیکوکاری، ادب و فروتنی را در دامان پرمهر پدر و مادر می‌آموزند. اگر این نیاز در کودکی برآورده شود، مشکلات دوران جوانی کمتر خودنمایی می‌کند. مراقبت از فرزندان و خانواده در برابر اندیشه‌های باطلی که سعادت دنیوی و اخروی آنان را به خطر می‌اندازد، از وظایف مهم والدین است.^{۵۲}

۴. جامعه‌پذیری

در خانواده فرایند اجتماعی شدن آغاز می‌شود. کودک نخستین نقش‌های اجتماعی خود را در خانواده می‌آموزد و یاد می‌گیرد که چه انتظاری از او دارند و چه نوع ارتباطی با دیگران داشته باشد. دین اسلام، نسبت به جامعه‌پذیری، توجه بسیاری نموده است و درباره مسایل خرد جامعه‌پذیری و آموزش و پرورش نیز دستورالعمل‌هایی دارد.^{۵۳}

خانواده در انتقال فرهنگ جامعه به فرزندان و زمینه‌سازی در آنها برای جامعه‌پذیری نقش اساسی دارد.^{۵۴} اندیشه فرزندان در کودکی شکل می‌گیرد و به رفتارهای اجتماعی رهنمون می‌شود. اگر فرزندان در خانه درست تربیت شوند، در آینده گرفتار بزهکاری و سیاه‌روزی نخواهند شد. شخصیت فرزندان اگر در محلی خارج از خانه

بایه گذاری شود، سست و لرزان خواهد بود.^{۵۵}

هر جامعه برای رسیدن با اهداف خود نیاز به الگوها و ارزش‌هایی دارد که مبنای عمل اعضای جامعه قرار گیرد. در اسلام، خانواده با آموزش ارزش‌ها به پاکی جامعه کمک می‌کند. هرآن کریم می‌فرماید:

وَ الْبَلَدُ لَطِيبٌ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَّبِكَ
نُصِرَفَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ.^{۵۶}

زمین پاک و نیکو گیلهاش به اذن خدا نیکو برآید و زمین خشن ناپاک بیرون نیلورد جز گیاه اندک و کم ثمر. این گونه ما آیات قدرت را می‌گردانیم برای قومی که شکر خدا به جای آرند.

۵. تأمین نیازهای اقتصادی

در اسلام افزون بر خدمت زن به شوهر که از آن به شوهرداری نیکو یاد می‌شود و رسول خدا آن را جهاد زن می‌شمارد،^{۵۷} یکی از کارکردهای خانواده، تأمین نیازهای معیشتی خواهد بود. در گذشته، همه اعضای خانواده کالاها و خدمات مورد نیاز دیگر اعضا را فراهم می‌کردند، ولی امروزه شیوه زندگی و دگرگون شده است.

حضرت علی علیه السلام با توجه به آیه: «... هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَ كُمْ فِيهَا...»^{۵۸} او خدایی است که شما را از خاک بیافرید و برای عمارت و آبادی ساختن زمین برگماشت... « فرموده است که خدای سبحان با این آیه، به مردم فرمان آبادانی داد تا با استفاده از محصولات گوناگون زمین نیازهای معیشتی خویش را تأمین کنند و مردانی را که در جهت رفاه خانواده تلاش می‌کنند، همانند رزمندگان خط مقدم در حال جهاد در راه خدا می‌داند.^{۵۹}

تأثیر تهاجم فرهنگی بر کارکردهای خانواده

نخستین نهادی که پیامدهای تهاجم فرهنگی به گونه‌های مختلف در آن ظاهر می‌شود، خانواده است. حال، پیامدهایی را برمی‌شماریم که کارکردهای خانواده را خشی می‌سازد.

۱. دین‌گریزی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده ایجاد دین‌باوری در اعصای آن است و این دین‌باوری در جوانان اهمیت و نمود بیشتری می‌یابد. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاک و پویای اسلام همراه گردد، نتایج ارزشمندی به بار خواهد آورد. دشمنان اسلام که از این نکته به خوبی آگاه‌اند، در پی کم‌رنگ و نابود کردن باورهای اسلامی در وجود جوانان‌اند؛ زیرا با وجود فرهنگ اسلامی که هماهنگ با فطرت بی‌آلایش جوانان است، جای نفوذ فرهنگ بیگانه نیست. رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد این دسیسه شوم می‌گوید:

یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایبندی متعصبانه به ایمان که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد، منصرف کنند، مانند همان کاری که قرن‌های گذشته در اندلس کردند؛ جوان‌ها ریختند در عالم فساد، شهوت‌رانی و می‌گساری و این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌شود. از آنجایی که ایمان و اعتقادات جوانان، ملمع و سد راه استکبار جهانی است... می‌کوشد با فلند کردن جوانان قدرت ایمان را از آنان سلب یا کم‌رنگ کند.^{۶۰}

باورهای انسان نقش مهمی در رفتار و سرنوشت او دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^{۶۱} چنین نیست، بلکه ظلمت ظانم و بدکاری‌هشان بر دل‌های آنها غلبه کرده است» یا در آیه دیگر می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ حَقِيقَةً لِّلَّذِينَ

أَسَأْمُوا السُّرْمَىٰ أَنْ كُنَّ بَرَاءً لِّلَّهِ وَكَثُرَ فِيهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛^{۶۲} سر انجام کار آنان که به آن اعمال زشت و کردار بد پرداختند، این شد که کافر شده و آیت خدا را تکذیب و تمسخر کردند» که این آیات، نسبت به اعمال ناشایست ناشی از ضعف‌های اعتقادی هشدار می‌دهد.

۲. فساد و بی‌بندوباری

در دوران شکوفایی جمهوری اسلامی ایران، استعمار غرب و عوامل داخلی و خارجی آن به روش‌های گوناگون کوشیدند که این مانع بزرگ را از راه توسعه‌طلبی خود بردارند. شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی از جمله ترویج فساد و بی‌بندوباری از مؤثرترین روش‌های شیطانی تخریب فرهنگ‌های بومی و دینی و تحکیم پایه‌های استعمار است. با این شیوه رایج، استعمار با رواج دادن فساد و تباهی، هویت و قدرت اندیشه را از جوانان کشورهای مستعمره می‌گیرد. امام خمینی^{ره} با اشاره به این مطلب می‌گوید:

در دوره پهلوی، جوان‌های ما را به مراکز فساد کتیندند، تبلیغات راجع به فساد اخلاقی عملی بقدری زیاد برد که تمام مجله‌ها و روزنامه‌ها در این باب کار می‌کردند... برای اینکه جوان‌های ما را از بین ببرند و نیروی جوانی را از آنها سلب کنند.^{۶۳}

نمونه بارز این توطئه‌ها، کنفرانس علمی تحقیقاتی رژیم اشغالگر قدس بود که در سال ۱۳۶۳ با هدف دستیابی به بهترین راه مبارزه با مذهب شیعه و انقلاب اسلامی ایران برگزار شد. در پایان، برای مبارزه با انقلاب چیدمان راهکار بیان شد که ترویج فساد و بی‌بندوباری، اعتیاد، رشوه‌خواری و اشاعه فرهنگ پوچ‌گرایی از این راهکارها است.^{۶۴} یکی از اهداف استعمارگران از ترویج فساد، نابودی پاکی و عفت و حجاب در خانواده‌های مذهبی است و با برنامه‌ریزی می‌کوشد فساد و بی‌بندوباری را آرام‌آرام در خانواده‌های مسلمان، جایگزین ارزش‌های اسلامی کند.^{۶۵}

پیامد فساد وی بی بدویاری، از هم پاشیدگی خانواده و بی اثر شدن کارکردهای آن است. نخستین آسیب آن نیز به روان کودکان وارد خواهد شد. بر اساس پژوهش‌ها، بیشتر کودکانی که اخلاق سالمی نداشتند از داشتن خانواده و یا یکی از والدین محروم بودند.^{۶۶}

۳. بی‌حجابی و بدحجابی

در دهه دوم و سوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بی‌حجابی و بدحجابی به یکی از دغدغه‌های مردم و مسئولین نظام اسلامی تبدیل شد. یکی از روزنامه‌نگاران فمینیست داخلی بر این باور است که سازمان‌های مردم‌نهاد دانشجویی (NGO) در حال افزایش است و شکستن چارچوب‌های حجاب، از جمله فعالیت‌های آنان است.^{۶۷} زنان بدحجاب به دستور پروردگار خود در راه حجاب و پوشش بی‌توجهی می‌کند با اینکه خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْرِينُ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُشْرِكُونَ وَآلِدِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا.^{۶۸}

ای پیغمبر، به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که جلباب (روسری)‌های خویش را به خود نزدیک سازند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و بیمار دلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات در شهر پخش می‌کنند، دست از کار خود برندارند، تو را برضد آنان می‌شورانیم و سپس به مدت اندکی در مجاورت تو نخواهند ماند.

البته کسی که شخصیت خود را در بی‌حجابی و نمایش جاذبه‌ها خلاصه نماید و با

خود آرایی و عشوه‌گری در جامعه ظاهر شود، نه فقط استعدادهای انسانی خود را ضایع کرده که استعدادهای معوی افراد جامعه را نیز نابود می‌سازد و اخلاق و انسانیت را به ورطه نابودی می‌کشد.^{۶۹}

علت بدحجابی برخی زنان جامعه، گم کردن هدف والای زندگی است. چنین زنانی، مردان را نیز از هدف آفرینش و زندگی غافل نموده، در مادیات و شهوات و اخلاق فاسد غرق می‌کند.^{۷۰}

ویل دورانت مورخ و فیلسوف غرب می‌گوید:

زنان بی‌شرم و حیا، جز در موارد زودگذر برای مردان جذاب نیستند. مردان جوان به دنبال چشمان پر از حیا می‌پلشند و بدون آنکه بدانند، حس می‌کنند که این خردداری ظریفانه عفت و حیا، از نطف و رقت عالی خبر می‌دهد.^{۷۱}

استاد مطهری پدیده بدحجابی در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را محصول جامعه سرمایه‌داری غربی دانسته، می‌نویسد:

حقیقت این است که این وضع بی‌حجابی رسوا که در میان ماست و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می‌افتیم، از مختصات جمله‌های پلید سرمایه‌داری غربی است و یکی از نتایج سوء پرلپرسی‌ها و شهرت‌رانی‌های سرمایه‌داران غرب است؛ بلکه از طریق وسایلی است که آنها برای تخریب و بی‌حس کردن اجتماعات انسانی و درآوردن آنها به صورت مصرف‌کننده اجباری کالاهای خودشان به کار می‌برند.^{۷۲}

زن ایرانی به پهلوه «تجدد» و «تقدم» و «مقتضیات زمان» هر روز و هر ساعت با وسایلی که در دنیای سرمایه‌داری تهیه می‌شود، خود را در معرض نمایش می‌گذارد تا بتواند چنین مصرف‌کننده لایقی برای کارخانه‌های اروپایی باشد. اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای هر قلمونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف‌کننده لایقی برای سرمایه‌داران غرب

خرهاند برد و نه وظیفه مأموریت دیگر را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.^{۷۴}

اثر منفی بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه ابتدا دامن گیر خانواده‌ها می‌شود و الفت و مودت میان زن و شوهر را نشانه می‌گیرد.

اعتیاد

توسعه فساد و بی‌بدوباری بر مبنای هواپرستی و تمایلات نفسانی خواسته استکبار جهانی است و چون همه انسان‌ها دارای تمایلات نفسانی هستند، طرفدار زیادی دارد؛ جایی که پای هواپرستی به میان آید، جایی برای خداپرستی نیست. به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «ما تحت ظل السماء من اله بعد من دون الله اعظم عند الله من هوی متبع»^{۷۵} در زیر آسمان هیچ پستی بزرگ‌تر در نزد خدا از هوا و هوس که از آن پیروی کنند وجود ندارد.

اعتیاد مهلک‌ترین دستاورد و مسموم‌ترین سوغات امپریالیسم است که افراد بی‌تقوا به پیروی از هوای نفس به آن روی می‌آورند،^{۷۵} توجه به فساد و اعتیاد به انواع مسکرات، حرکتی قهقرایی و ارتجاعی دوران جاهلیت است.

عاطفه خانوادگی و محبت نسبت به فرزند و همسر در کسانی که به اعتیاد روی می‌آورند ضعیف می‌شود، به طوری که گاهی دیده می‌شود چنین والدینی فرزندان خود را کشته یا مورد تجاوز قرار داده‌اند.

اعتیاد عامل بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی و یکی از انحرافات اجتماعی است که مهم‌ترین آسیب آن سست شدن پیوندهای عاطفی خانوادگی، طلاق و بیماری‌های روحی به ویژه افسردگی است.^{۷۶} به تصریح دانشمندان غربی ریشه بسیاری از بیماری‌های روانی در آمریکا اعتیاد به مشروبات الکلی و سیگار است.^{۷۷}

روابط ناسالم و طلاق

از دیگر پیامدهای تهاجم فرهنگی روابط ناسالم خارج از چهارچوب ازدواج قانونی است. براساس گزارش‌هایی که از سوی اداره مطالعات آمار انگلیس منتشر شده است کسانی که قبل از ازدواج رابطه نامشروع دارند در پانزده سال اول زندگی حداقل ۴۰٪ بیشتر از سایر افراد در معرض طلاق و جدایی قرار دارند و در سال‌های پس از آن ۶۰٪ زندگی آنان به جدایی منجر خواهد شد. طبق همین گزارش، این آمار در کشورهای آمریکا، کانادا و سوئد به مراتب بیشتر از انگلستان است. در ایران نیز ۹۰٪ از دواج‌ها که با دوستی‌های خیابانی صورت گرفته است به طلاق منجر می‌شود.^{۷۸} جورج کامیکس جامعه‌شناس معروف، تصریح کرده است که در آمریکا عامل اصلی اختلاف زن و شوهر در طلاق روابط نامشروع می‌باشد.^{۷۹} پیامد این طلاق‌ها کودکان بی سرپرستی است که از کمبود عاطفی رنج می‌برند، مورد آزار و اذیت نامادری یا ناپدری قرار می‌گیرند یا در خیابان‌ها آواره می‌شوند.^{۸۰}

۶. مدگرایی و مصرف‌گرایی

الف) لباس

پوشاک از نخستین نیازهای انسان است و نوع آن را جامعه، زمان، آب و هوا، توانایی اقتصادی و شئون اجتماعی تعیین می‌کند. قدیمی‌ترین نمونه مد در جهان مدل لباس بوده و افراد و گروه‌هایی می‌کوشیدند از این راه به نوآوری دست بزنند.^{۸۱} جوانان به علت تنوع طلبی خواستار چیزهای تازه‌اند و بیش از سایرین پیگیر مله‌های جدیدند؛ به گونه‌ای که امروزه لباس‌های پسته دستخوش تغییر است. استکبار جهانی برای چیرگی بر کشورهای مورد نظر خود، نسل جوان آن کشورها را هدف قرار داده، لباس‌های مبتذل خود را با قیمت مناسب‌تر در اختیار آنان می‌گذارد. مله‌های جدید از راه‌های مختلفی چون شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره، اینترنت و... قابل دسترسی است.^{۸۲}



مدپرستی، افزون بر اینکه راه غرب برای رسیدن به هدف تجارت و فروش کالاهای خود است، اهداف سیاسی و رخنه در فرهنگ و تمدن جامعه را نیز دنبال می‌کند.^{۸۴} در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال أوحى الله عز وجل إني نبي من أنبيائه قل للمؤمنين: «لا تلبسوا لباس أهدائي ولا تطعموا طعام أهدائي ولا تسلكوا مسلك أهدائي فتكونوا أهدائي كما هم أهدائي»^{۸۵}

امام حسین علیه السلام فرمود: خدولند به یکی از پیلهبران خود دستور داد تا به پیروان مؤمن خود بگوید: «لباس دشمنان من را نپوشید، خوراک دشمنان من را نخورید، راه و روش دشمنان من را نپیماید تا همانند آنان در ردیف دشمنان من قرار نگیرید»

ب) آرایش صورت و مو

گروهی از زنان و جوانان می‌کوشد با آرایش مو و صورت، خود را از دیگران متمایز نشان دهد. در سال‌های اخیر، با نفوذ ماهواره و اینترنت، مدهای عجیب و مستهجن مو، در میان جوانان شایع شده است و بسیاری از مردان، موی سر و صورت خود را شبیه زنان می‌آرایند و یا از مدهایی که ماهیت آن را نمی‌شناسند، استفاده می‌کند.

تا پیش از انقلاب صحتی، زنان به صورت سنتی و به اندازه‌ای معقول با مواد طبیعی آرایش می‌کردند. پس از آن، استعمال با صنایع پیشرفته، گونه‌های مختلف لوازم آرایشی را تولید نمود و با کمک دستگاه‌های تبلیغاتی خود، به جوامع جهان سوم تحمیل کرد. بدین سان، جامعه مصرف‌زده را به وجود آورد.^{۸۵}

ج) مصرف‌گرایی

از دیگر عواملی که باعث نشر فرهنگ مبتذل غرب و در نتیجه تضعیف هویت دینی خانواده می‌شود، روحیه مصرف‌گرایی است. در جامعه مصرف‌گرایی که کالاهای خود را از کشورهای دیگر و به ویژه از مغرب‌زمین تأمین می‌کند، مردم و جوانان از

ارزش‌های دینی و اخلاقی خود فاصله می‌گیرند و دور می‌شوند. ورود سیل آسای کالاهای خارجی از قبیل لوازم خانگی، اتومبیل، سیگار و لباس، هزینه‌های گزافی را بر جامعه تحمیل می‌کند. این روند در دو دهه اخیر بیشتر شده و روزه‌روز، بر حجم واردات این کالاها افزوده می‌شود. ادامه مصرف‌گرایی، پیامدهای مخربی بر ارزش‌های دینی مردم و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر اقتصاد کشور خواهد داشت.^{۸۶}

ابزارهای تهاجم فرهنگی

استکبار جهانی برای رسیدن به اهداف خود در یورش فرهنگی، از فناوری‌ها و ابزارهای پیشرفته استفاده می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. تلویزیون

امروزه تلویزیون، از بزرگ‌ترین و کاربردی‌ترین ابزار شکل‌گیری فرهنگ در جهان است. بنا بر گفته صاحب‌نظران، تلویزیون در جهان با برنامه‌های خود، در عمل، فرهنگ ابتدال را در بین مردم گسترش داده است.^{۸۷} برنامه‌های نامناسب و به ویژه برنامه‌های غربی، بیشترین نقش را در بروز جرایم اخلاقی و جایی داشته است. گروهی از محققان و استادان دانشگاه آمریکا در نشستی به عنوان «تلویزیون، آموزش و تربیت» اعلام کردند که اگر والدین بتوانند فرزندان خود را از دیدن برنامه‌های تلویزیون مع‌کند، تنها در آمریکا از ده هزار قتل، هفتاد هزار حمله و زدو خورد و هفتصد هزار دزدی جلوگیری کرده است.^{۸۸}

طبق پژوهش‌ها، با توجه به اینکه بیشترین بیسندگان تلویزیون، کودکان کمتر از پانزده سال می‌باشند، بسیاری از فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی که از کشورهای غربی وارد شده‌اند، مروج پوشش نامناسب، بدحجابی و بی‌بدوباری‌اند و پیامدهای منفی زیادی بر فرهنگ دینی مردم گذاشته‌اند. فعالیت‌های ارزشی صداوسیما در سال‌های اخیر برای تولید برنامه‌های مفید، قابل‌انکار نیست، ولی هنوز برخی برنامه‌ها با

تأثیر از فرهنگ غرب، ساخته و بخش می‌شود.^{۸۹}

۲. سینما

سینما نیز به سهم خود، تأثیر زیادی بر فرهنگ جامعه دارد. به گفته برخی کارشناسان پس از جنگ جهانی دوم، سینما مهم‌ترین نقش را در نفوذ استعمار فرهنگی در کشورهای آسیایی آفریقا و آمریکای لاتین داشته است. به همین دلیل رژیم طاغوت برای انحراف اذهان عمومی و تثبیت پایه‌های فرهنگی سیاسی حکومت خود در جهت نفی ارزش‌های دینی، بیشترین بهره‌برداری را از این وسیله تبلیغی و فرهنگی کرد.^{۹۰} امروزه سینما، برای خدمت به صهیونیسم فرهنگی و مقابله با تمدن و هویت اسلامی و ایرانی صدها فیلم ساخته است.^{۹۱}

پس از انقلاب اسلامی، با وجود فیلم‌های ارزشی خوبی که هرمندان مؤمن سینما عرضه کردند، گروهی از هرمندان و هریشه‌های رژیم گذشته، با حضور دوباره در صحنه‌های مختلف هری، از جمله سینما به ترویج اهداف و امیال خویش پرداختند و نیروهای باایمان و شایسته و جوانان مستعد و حزب‌اللهی به بهانه نداشتن تخصص، طرد و مزوی شدند. در چنین شرایطی، بروز و گسترش فساد و بدحجابی از درجه سینما، عادی است.^{۹۲}

پس از انقلاب اسلامی، فیلم‌های سینمایی بیش از پیش در دسترس خانواده‌ها قرار گرفت. استفاده نادرست از ویدئو، پیامدهای منفی زیادی بر ارزش‌های دینی و اعتقادی مردم در دهه دوم انقلاب داشته است.^{۹۳}

۳. ماهواره

ماهواره در بسیاری از کشورها تخریب‌کننده ارزش‌های دینی و ملی است. در ایران، میزان تخریب ارزش‌های دینی در قرن جدید چشمگیر است. مسئولان فرهنگی باید بدانند که امروزه غرب می‌کوشد با کمک فناوری‌های پیشرفته و بهره‌گیری از ماهواره و با ایجاد آشفتنگی در زبان و آداب و سنن و تاریخ، هویت جوانان را تغییر دهد.^{۹۴} در

نشریه نیوز ویک آآمده است:

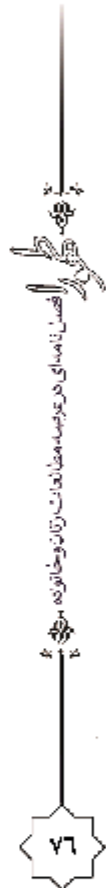
انقلاب جدیدی در ایران در حال شکل گیری است. امروز، جوانان ایرانی به بطن رادپوها و دبش‌های ماهواره، از جهان خارج باخبرند و این عوامل نیروی را برای یک انقلاب فرهنگی و سیاسی تشکیل می‌دهد. در اخبار بی‌بی‌سی چنین گزارش می‌کند: چنین به نظر می‌رسد که ماهواره در ایران در ضربه‌زدن به مظاهر اسلام، از همه گروه‌های مخالف حکومت، قدرت بیشتری دارد. ماهواره پدیده‌ای است که در برابر ارزش‌های اسلامی قد علم کرده است.^{۹۵}

۴. اینترنت

هرچند اینترنت، واقعیتی انکارناپذیر و از نمودهای پیشرفت بشر است و ارتباط‌های علمی و فرهنگی مفید را بیشتر کرده است، بسیاری از خدمات آن با آسیب‌هایی همراه است. طبق پژوهش‌ها، بیشترین کسانی که با اینترنت سروکار همیشگی دارند، دچار نوعی اعتیاد می‌شوند و از تعادل خارج می‌شوند. به همین دلیل، اینترنت وسیله‌ای برای یورش فرهنگی شده است. در ایران نیز اینترنت، پس از رسانه ملی، دومین رسانه مورد توجه جوانان به شمار می‌رود.^{۹۶}

مقام معظم رهبری ^{مدظله العالی} در این مورد خاطر نشان می‌کند:

در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی، سریع‌تر و همه‌گیرتر بود. انواع و اقسام کارها را کردند. چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبانی اسلامی و مبانی شیعی که فکر می‌کردند در پدید آمدن این انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند که امروز آن را به اینترنت و رایانه هم کشانده‌اند.^{۹۷} البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که دین اسلام با پدیده‌های نو و ابزار پیشرفت بشر و کسب آگاهی مخالفتی ندارد و آن را می‌ستاید، ولی چون برای تخریب باورها و فرهنگ دینی مردم از این ابزار، استفاده‌های نادرست می‌شود، توصیه‌های هشداردهنده می‌دهد.



۵. بازی‌های رایانه‌ای

یکی از کانال‌های اصلی تهاجم فرهنگی به قشر کودک و نوجوان، بازی‌های رایانه‌ای است که آثار و تبعات منفی فراوانی از نظر روحی، روانی، اخلاقی، جسمی و آموزشی دارد.

یکی از اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی بر وجود فرهنگ‌سازی مناسب در این حوزه تأکید دارد و در این زمینه گفته است که فرهنگ‌سازی یکی از وظایف بنیاد (بازی‌های رایانه‌ای) است و باید با کمک سایر رسانه‌ها تلاش کند ضمن آگاه‌سازی خانواده‌ها نسبت به بازی‌های مناسب و نامناسب برای فرزندان‌شان، آثار و تبعات بازی‌های رایانه‌ای را برای خانواده‌ها، جوانان و نوجوانان تبیین کند.

وی با اشاره به اینکه برخی بازی‌های رایانه‌ای وارداتی نامناسب در بازار داخل به وفور یافت می‌شود، بیان کرده است که بنیاد بازی‌های رایانه‌ای باید ضمن نظارت بر توزیع بازی‌هایی که از خارج وارد می‌شود، از توزیع آن دسته بازی‌ها که مغایر با فرهنگ دینی و اسلامی ما است، جلوگیری کند.^{۹۸}

۶. کالاهای وارداتی

سودجویان غربی همه اهرم‌های ممکن را برای سلطه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی به کار می‌گیرند و کشورهای تحت سلطه را حتی در گزینش کالای وارداتی آزاد نمی‌گذارند. آنان از فتر مادی و فرهنگی جهان سوم استفاده کرده و با ترفندهای گوناگون زمینه ورود فرهنگ خویش را فراهم ساخته و به چپاول منابع ارزنده آنان می‌پردازند. در این شیوه ضدانسانی، پذیرفتن کالاهای خارجی تشریفاتی که استفاده از آنها فرهنگ ویژه‌ای می‌خواهند (مانند لوازم آرایش، لباس‌های بدن‌نما، انواع و اقسام وسایل رفاهی پرزرق و برق و...) با تبلیغاتی وسیع، تجمل‌گرایی، مصرف‌زدگی، رواج روحیه اشرافی‌گری و سوء استفاده از غفلت و ناآگاهی طبقات مختلف مردم صورت

می‌گیرد که موجب جدایی جوامع از بیاد‌های فرهنگی و فکری بومی می‌شود. ورود این کالاها علاوه بر اینکه فرهنگ ویژه‌ای به همراه دارد، از به جریان افتادن اندیشه و سرمایه‌های این کشورها در راه‌های سازنده پیشگیری می‌کند که بیکاری، رکود اقتصادی و فرورفتن خانواده‌ها در مسجلاب فسادانگیز رفاه کاذب از پیامدهای آن است.

راهکارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی

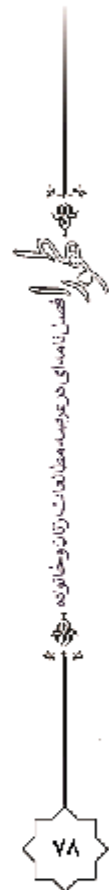
برای مبارزه با تهاجم فرهنگی، راهکارهای مختلفی وجود دارد که بیان همه آنها در گنجایش این مقاله نیست و به بررسی برخی از این راهکارهای مهم، بسنده می‌شود.

۱. شناخت فرهنگ و اهداف دشمن

بی‌تردید شناسایی دشمن و برآورد اهداف، توان و تفکر وی از القابای مبارزه به شمار می‌آید که باید قبل از هر اقدامی بدان پرداخته شود. آگاهی از ابزار و شیوه‌های مورد استفاده مهاجمان می‌تواند مسئولان فرهنگی را در خلع سلاح کردن مهاجمان کمک کند. در سایه شناسایی اهداف دشمن می‌توان به مقابله اصولی پرداخت و از آسیب‌پذیری فشار مختلف به ویژه خانواده‌ها جلوگیری کرد. از این رو، برای موفقیت در مبارزه با تهاجم فرهنگی، توجه و تمرکز مسئولان فرهنگی کشور به امر مبارزه با تهاجم فرهنگی و اختصاص بودجه کافی و ایجاد جایگاه مناسب برای آن در برنامه‌ریزی کلان کشور و ارتباطات بین‌المللی امری ضروری به نظر می‌رسد. ۹۹

۲. ایجاد محیط گرم خانوادگی

خانواده، هسته مرکزی جامعه و مهم‌ترین کانون تربیت نسل جوان است و می‌تواند نقش مؤثری در مبارزه با تهاجم فرهنگی داشته باشد. برخوردهای ناخوشایند و غیرمسطقی با جوانان، آنان را از خانه و خانواده فراری می‌دهد و سبب می‌شود مکان‌های فاسد و دوستان ناباب را پناهگاه خود قرار دهد و یا برای جبران کمبودهای



عاطفی، به فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای مخرب روی آورند.^{۱۱۱} در حقیقت، خانواده تصویری از هویت واقعی و صحیح را در ذهن کودک ترسیم می‌کند.

اگر کودکان، شخصیت و هویت واقعی خود را در سایه محبت و عطف خانوادگی کسب کنند، از قدرت تحلیل و تفسیر رویدادهای فرهنگی و در نتیجه، مقابله با یورش‌های فرهنگی برخوردار، توانمند و نفوذناپذیر می‌شوند.^{۱۱۱}

امام خمینی^ع مهم‌ترین راهکار عملی مبارزه با چیرگی فرهنگ غرب را تربیت صحیح نسل جوان می‌داند و می‌فرماید: «کشورهای اسلامی اگر بخواهند کشورشان مبتلا به استعمار و استثمار جهان‌خوار نشود، در تربیت صحیح اسلامی، ملی، انقلابی ملت‌کوش کنند».^{۱۱۲} به نظر امام^ع، خانواده نخستین پایگاه تربیت عملی است: «فساد عملی پدر و مادر، از هر چیزی بیشتر در اطفال سرایت می‌کند. چه بسا که یک طفل که عملاً در خدمت پدر و مادر بد تربیت شود، تا آخر عمر با مجاهدت و زحمت مریبان اصلاح نشود».^{۱۱۳}

گاهی نیز جوان در خانواده‌ای دین‌دار تربیت می‌شود، ولی در اجتماع و محل تحصیل مورد غفلت قرار می‌گیرد و از ارزش‌های دینی و معنوی دور می‌شود. امام^ع در این مورد می‌فرماید:

اگر شما گله‌ی می‌بینید بچه‌ای که در محیط مذهبی و خانواده مذهبی تربیت شده، اما در آن دوران ضد مذهبی می‌شود، این از نشانه بی‌تأثیری آن عمل تربیتی خانوادگی نیست. بلکه نشانه وجود یک عامل ناشناخته‌ای است که ما از آن بی‌خبریم؛ احتمالاً اختلافات پدر و مادر، همان پدری که نماز شب می‌خواند یا همان مادری که عفت خودش را با شدیدترین وجه و با وسواس حفظ می‌کند، خصوصیات دارند که رفتار آنها در مخاطب تأثیر منفی می‌گذارد... من خانواده‌هایی را می‌شناسم که پدرهایشان آدم‌های بسیار خوبی بودند، اما بچه‌هایشان آدم‌های بسیار بدی شدند.^{۱۱۴}

۳. استحکام بنیادهای فرهنگی و دینی

کشورهای اسلامی و به ویژه جمهوری اسلامی که از فرهنگی غنی برخوردارند، برای تحکیم بیان خانواده‌ها و بهیبه‌سازی باورهای اسلامی، باید مایع فرهنگی و ارزش‌های اصیل اسلامی را به کار بندند تا انسان‌های سالم و متعهدی از این خانواده‌ها بیرون آید. چنانچه خانواده‌ها از تأثیر فرهنگی بیگانه سالم بمانند، هزینه‌های تعلیم و تربیت فرزندان، کاهش چشمگیری خواهد داشت.

مسلمانان با باور به دو اصل شایستگی و فهم ملت‌های مسلمان و نیز برتری ارزش‌های اصیل اسلامی نسبت به سایر مکاتب می‌توانند در مدتی کوتاه، خلافت‌های شگرف و کارآمدی را به جهان عرضه نمایند.^{۱۰۵} برای رسیدن به این دو اصل، نخست باید بنیادهای فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های دینی فعال باشند. امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید: ما باید مفلخر فرهنگ خود را درلیم و فکر نکنیم که همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم. بلکه باید بدانیم ما فرهنگ غنی اسلامی داریم که ریشه‌های عمیقی در وجود انسان دارد. فرهنگ اسلام، بلندترین و مترقی‌ترین فرهنگ‌ها است؛ به طوری که می‌توانیم با این فرهنگ اسلامی، تمسکی احتیاجات خود را اصلاح کرده و محتاج غرب نباشیم.^{۱۰۶}

رهبر انقلاب مدظله‌العالی نیز در این باره می‌فرماید:

مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیادها صورت می‌گیرد هر سبیل بنیاد کنی، وقتی به یک صخره استوار برسد، نمی‌تواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیادهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدس و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه‌ها و بنیادها باشد، بد است.^{۱۰۷}

دستیابی به استحکام بیاد‌های فرهنگی، بدون رشد و توسعه اقتصادی بر محور عدالت اسلامی یا نتیجه‌بخش نیست و یا به نتیجه مورد نظر نخواهد رسید؛ چرا که بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی مانند دزدی، ولگردی، تکدی‌گری، خودفروشی، قاچاق و... از فقر سرچشمه می‌گیرد، تا جایی که در آموزه‌های دینی از فقر به «بزرگ‌ترین مرگ»^{۱۱۸} و «کاستی»^{۱۱۹} تعبیر شده است.

از سوی دیگر، توسعه اقتصادی با ورود ابزار و فناوری‌های جدید همراه است که خود، مشکلات فرهنگی خاصی را در پی دارد. با تقویت بُعد فرهنگی و معنوی جامعه می‌توان جامعه را برای رویارویی با پیامدهای منفی پیشرفت و صحت آماده ساخت.^{۱۲۰}

۴. ترویج ارزش‌ها با امر به معروف و نهی از منکر

انسان دارای دو بعد روحانی و حیوانی است. غرایزی که خداوند برای حفظ بقا در وجود انسان به ودیعه گذاشته، اگر رها و بی‌مهار گردد، به سرکشی و جون خواهد انجامید. از این‌رو، مهار خواسته‌ها و هواهای نفسانی برای جلوگیری از فسادگسیختگی، از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام است تا ارزش‌های معنوی در میان مردم حفظ گردد و بتواند در برابر پورش‌های فرهنگی بیگانگان مقاومت کند.

بعث پیامبران برای آشنا کردن مردم به ارزش‌های الهی بوده و کسانی هم که با آنان مخالف بودند و می‌کوشیدند ضداً ارزش‌ها را ترویج دهند، با امر به معروف و نهی از منکر پیامبران روبرو می‌شدند.^{۱۲۱} از این‌رو، پیامبران الهی، تشویق به انجام رفتار پسندیده و پرهیز از کارهای زشت و ناپسند را در رأس برنامه‌های هدایت‌گری خویش قرار می‌دادند.

امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی افراد جامعه بر همدیگر است و از مهم‌ترین واجبات محسوب می‌گردد و نیز بهترین وسیله برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی است. ولّاء معروف، از ماده «عرف»؛ یعنی «شناخته‌شده و مورد توجه نوع مردم» است. «منکر» نیز از ماده «نکر» به معنای «چیز ناشناخته و مورد انکار نوع مردم» است.

با نگاهی به **قرآن کریم** درمی‌یابیم که چگونه به این فرصه الهی توجهی ویژه شده و برای حفظ ارزش‌های معنوی و اخلاقی به این نظارت همگانی سفارش شده است:

وَتَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^{۱۱۲}

و باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها همان رستگاران‌اند.

و در جایی دیگر می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^{۱۱۳} شما بهترین امتی بر دید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید»

امر به معروف و نهی از منکر دو جنبه دارد؛ فردی و اجتماعی. هر کسی موظف است بر رفتار خانواده و اطرافیان خویش نیز نظارت داشته باشد. اگر هر یک از اعضای خانواده، به رفتار نادرست سایرین توجه کند و در موارد ضروری، به نصیحت دلسوزانه بپردازد، مسیر تعالی را بهتر خواهد پیمود؛ سفارشی که بر اساس حدیث امام صادق علیه السلام: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْصِيحَةٌ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغْيِبِ»^{۱۱۴} واجب و وظیفه هر مؤمنی است.

در جنبه اجتماعی نیز امت اسلامی موظف‌اند برای از بین بردن نابسامانی‌های اجتماعی، دست به دست هم داده و یکدیگر را یاری دهند. این دو شکل مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق، از اصول اسلامی است^{۱۱۵} و اگر به این اصول عمل نشود، همان می‌شود که حضرت علی علیه السلام فرمود:

لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُوتَىٰ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ^{۱۱۶}

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان شما بر شما مسلط می‌گردند. آنگاه هر چه خدا را به کمک فراخوانید، جواب ندهد.

امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر، راه نیا، روش صلحا و فریضه عظیم است
که با اقله آن، فریض، انجام، راهها امن، کسبها حلال، ظالمان مردود، زمین
آباد و با دشمنان با انصاف رفتار می‌گردد.^{۱۱۷}

نتیجه‌گیری

تهاجم به ارزش‌های اسلامی و باورهای اصیل و بومی کشورهای اسلامی، به ویژه جمهوری اسلامی جدی است و در این تهاجم، هدف اصلی، خانواده‌ها و جوانان مسلمانند که سرمایه‌های جامعه‌اند. جوانان به دلیل ویژگی‌های خود، بیش از اقشار دیگر در معرض آسیب این تهاجم‌اند. از این رو باید با شناخت اهداف کشورهای استعمارگر و استفاده بهیبه و درست از فناوری‌های روز همانند ماهواره، اینترنت، برنامه‌ها و فیلم‌های آموزنده این تهاجم فرهنگی را خنثی نمود و با تقویت بیهادهای فرهنگی و معنوی و آگاهی‌دادن به خانواده‌ها، به تقویت هویت مذهبی و ارزش‌های دینی در میان نسل جوان.

پیشنهادات

خانواده‌ها با رفتار مشفقانه و محبت‌آمیز می‌توانند به اصلاح جامعه شتاب بخشیده و ضمن کنترل درونی خانواده‌ها به کنترل بیرونی و در نهایت ایمن‌سازی جامعه با مشارکت و همکاری دلسوزانه کمک نمایند. همیشه فرزند خوب در خانواده آرام و مطمئن پرورش می‌یابد و جامعه خوب متشکل از خانواده‌های خوب است. خانواده پلی است برای سوق جامعه به سمت اهداف معنوی و بلند.

والدین با حضور بیشتر و مؤثرتر در خانواده و با اهمیت‌دادن به مسائل روحی و روانی فرزندان، می‌توانند به کارکردهای صحیح تربیتی خانواده‌ها عمل پیوشانند. باید دقت داشت که فرزندان و اعضای خانواده بیش از نیازهای جسمانی به آرامش

روانی و درک متقابل نیازمندند و ارتباط مناسب و مشفقانه والدین در منزل با همسر و فرزندان ضامن بقا و سلامتی کانون گرم خانواده است.

بیشتر افراد گمان می‌کنند که از آسیب‌های اجتماعی در امان‌اند و این مسایل و مشکلات فقط گریبانگیر دیگران است. همچنین بسیاری از والدین از مشاهده مدهای مو و لباس در فرزندان و یا مشاهده کج‌روی‌هایی نظیر اعتیاد به مواد مخدر، انحرافات جنسی و رفتارهای ضد اخلاقی از سوی جوانان خود عبرت نمی‌گیرند و در اکثر موارد موضوعات مذکور را ناچیز جلوه می‌دهند. باید توجه داشت که راه‌حل نهایی برای حل مسئله، پاک کردن صورت مسئله نیست. بلکه آگاهانه باید مسایل را شناسایی و برای حل آن اقدام نمود. همان‌طور که وروس‌های بیماری‌زا می‌تواند بدن ما را در خطر نابودی قرار دهد، وروس‌های ضد فرهنگی نیز می‌تواند به نحو بسیار کشنده‌تری جامعه را دچار بحران‌های جنسی، عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و بحران هویت نماید. بنابراین همان‌طور که به مرهقت اعصاب خانواده در برابر بیماری‌های جسمی می‌پردازیم، باید آنها را در برابر بیماری‌های بسیار خطرناک فرهنگی نیز ایمن کنیم.

۱۱۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بی نوشتاها

۱. محمدبن مكرم بن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰.
۲. آذرنوش آذرناس، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۷۷۸.
۳. علیرضا شایان مهر، دایرة المعارف علوم اجتماعى، ص ۱۸۳.
۴. محمدرضا كاشفى، تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامى، ص ۱۸.
۵. على اكبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۳، ص ۱۲۲۷، تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامى، ص ۲۱.
۶. حسن عميد، فرهنگ عميد، ج ۲، ص ۱۵۳۶.
۷. تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامى، ص ۱۹.
۸. همان
۹. دایرة المعارف نطقى علوم اجتماعى، ص ۴۰۱.
۱۰. غلام رسول حيدرى، لغت‌شناسان، فرهنگ، تمدن، پگاه تدريشه، شماره ۶، ص ۱.
۱۱. محمدمتقى مصباح بزدى، نهادى فرهنگى، ص ۷۱.
۱۲. راضب اصفهانى، مفردات راضب، ص ۳۶.
۱۳. فرهنگ عميد، ج ۱، ص ۸۲۸.
۱۴. همان
۱۵. محمدرضا سالارى فر، خانواده درنگرش اسلام و روانشناسى، ص ۱۳۰.
۱۶. همان، ص ۲۳.
۱۷. جنگيز بهلوان، فرهنگ شناسى، ص ۱۳.
۱۸. www.psyop، فروردين ۱۳۹۱، ص ۶۶.
۱۹. آل عمران: ۱۹.
۲۰. ر.ك: انسان: ۳.
۲۱. رعد: ۱۱.
۲۲. حصصى از محققان، رمانتى به منظومه فكرى امام خمينى (ره) و رهبر معظم انقلاب، صص ۶۳ و ۶۶.
۲۳. بقره: ۶۳.
۲۴. مريم: ۱۲.
۲۵. مرئصى حسيني اصفهانى، نهادى فرهنگى، ص ۱۶.

۲۶. رهبریتی به منظومه فکری امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، ص ۳۸.
۲۷. همان، ص ۳۸۳.
۲۸. همان، ص ۲۵.
۲۹. همان، صص ۲۵۱-۲۵۲.
۳۰. انعام: ۱۱۲.
۳۱. مرادعی حسینی اصفهانی، نه‌احم فرمگی، ص ۴۷.
۳۲. محمد مهدی آصفی، دنیای اسلام و نه‌احم فرمگی غرب، ص ۲۲.
۳۳. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، نه‌احم فرمگی از نگاه تاریخ، صص ۹۱ و ۹۲.
۳۴. محمد تقی مصباح یزدی، نه‌احم فرمگی، ص ۹۱.
۳۵. ذاریات: ۴۹.
۳۶. روم: ۲۱.
۳۷. احقاف: ۱۵.
۳۸. کتبی، ج ۱۵، ص ۳۲۹، باب کرمانه العزبة.
۳۹. ر.ک: همان، ج ۱۲۹، ص ۳۳.
۴۰. ر.ک: همان، ج ۱۱۰، ص ۴۶.
۴۱. نوبه: ۲۶.
۴۲. محمد رضا کوهی، آسیب‌شناسی شخصیت زن، ص ۱۱۲.
۴۳. اخلاق در قرآن، ص ۷۱.
۴۴. اسماعیل چراغی کوشانی، خانواده در اسلام و فمینیسم [تیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده]، ص ۱۹۳.
۴۵. بقره: ۱۸۷.
۴۶. اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۷.
۴۷. بقره: ۲۲۳.
۴۸. مریم: ۶ و ۵.
۴۹. محمد محمدی ری‌شهری، خانواده، اسلام و فمینیسم، صص ۲۰۶-۲۰۴.
۵۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۰۶، ج ۱۸۵۳ خانواده در اسلام و فمینیسم، ص ۲۱۵.
۵۱. خانواده در اسلام و فمینیسم، ص ۲۱۷.
۵۲. همان.

۵۳. محمد قاسم رحایی، نقش خانواده در فرآیند رشد اجتماعی، فصلنامه بلاغ، ص ۱۳.
۵۴. محمد فتح علی خانی، آموزه‌های بنیادی علم اخلاقی، ج ۲، ص ۱۳۸.
۵۵. مریم معین الاسلام و علی غلامی، زن منتظر و منتظر پروری، ص ۱۱۵.
۵۶. اعراف: ۵۸.
۵۷. ر.ک: نهج الفصاحه، ج ۳۵۱.
۵۸. هود: ۶۱.
۵۹. محمد محمدی ری شهری، تحکیم خانواده، ص ۳۰۵.
۶۰. نهج‌مفهمی از نگاه تاریخ، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.
۶۱. مطلقین: ۱۴.
۶۲. روم: ۱۰.
۶۳. علی خالقی افکنده، امام خمینی (ره) گفت‌مان غرب، ص ۱۱۲.
۶۴. زهرا اشاعرخ زاده، نهج‌مفهمی فرهنگی، پایان‌نامه سطح کارشناسی، ص ۴۲.
۶۵. همان، ص ۴۳.
۶۶. محمود مدنی بجنانی، فساد سلاح نهج‌مفهمی، صص ۹۱ و ۹۲.
۶۷. عباس رحیمی، مائتنامه پیام زن، ش ۲۱۷، ص ۱۳.
۶۸. احزاب: ۵۹ و ۶۰.
۶۹. آسیب‌شناسی شخصیت زن (با تأکید بر لایق‌بندی و بدحجابی)، ص ۹۰.
۷۰. همان، ص ۱۴۹.
۷۱. همان، ص ۱۴۹.
۷۲. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۵.
۷۳. همان، ص ۸۶.
۷۴. به نقل از: مرتضی حسینی اصفهانی، نهج‌مفهمی فرهنگی، ص ۱۳۰.
۷۵. واحد خیرسازمان عقیدتی سوسی نهجا، چرا به اعتیاد گذرقتار شدیم؟، ماه‌نامه ارتش جمهوری اسلامی، ص ۳۶.
۷۶. گسپ دی کتارو، چگونه با اعتیاد مبارزه کنیم؟، نشریه علوم انسانی، ص ۱۲.
۷۷. همان، ص ۱۳۵.
۷۸. رضا رمضان نرگسی، مدیریت خانواده و طلاق، نگاهی بر توسعه در افزایش طلاق و انحلال خانواده، مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، ص ۱۹۱.

۷۹. علی میرحلیف زاده، داستان‌هایی از پرورش و حجاب، ص ۸۱.
۸۰. فساد سلاح تهاجم فرمگی، ص ۹۶.
۸۱. مهدی بهار، مطالعات فرمگی، ص ۱۹۱.
۸۲. مرزعی حسینی اصفهانی، تهاجم فرمگی، ص ۶۶.
۸۳. تهاجم فرمگی، پایان‌نامه سطح کارشناسی، ص ۵۰.
۸۴. محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۶۸، باب ۵۶.
۸۵. فساد سلاح تهاجم فرمگی، ص ۱۶۹.
۸۶. حمید نگارش، مویث دینی و انقطاع فرمگی، ص ۱۶۵.
۸۷. [بی نام]، فرمگنگ تلویزیونی، سیاحت غرب، ش ۲۶، ص ۲۵.
۸۸. مویث دینی و انقطاع فرمگی، ص ۱۰۲.
۸۹. همان، ص ۱۳۳.
۹۰. همان، ص ۱۳۶.
۹۱. رضا موسوی، نیروهای ناتو مستقر برام خانه، نشریه فرمگنگ پویا، ش ۸ و ۹، ص ۷۶.
۹۲. تهاجم فرمگی، پایان‌نامه سطح کارشناسی، ص ۵۵.
۹۳. همان، ص ۵۶.
۹۴. ناملات فرمگی، ص ۲۸۲.
۹۵. مویث دینی و انقطاع فرمگی، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.
۹۶. نیروهای ناتو مستقر برام خانه، ص ۷۵.
۹۷. رمیختی به منظومه فکری امام خمینی (ره) و رمیر معظم انقلاب، ص ۲۶۸.
۹۸. <http://www.psyop>، فروردین، ۱۳۹۱.
۹۹. حمید جاودانی شامدین، شیوه‌های تهاجم فرمگی، <http://www.aviny.com>، ص ۸.
۱۰۰. محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرمگی، ص ۱۳۰.
۱۰۱. مویث دینی و انقطاع فرمگی، ص ۲۱.
۱۰۲. امام خمینی (ره) و گفتنمان غرب، ص ۱۶۸.
۱۰۳. رمیختی به منظومه فکری امام خمینی (ره) و رمیر معظم انقلاب، ص ۶۵۵.
۱۰۴. همان، ص ۶۵۶.
۱۰۵. علیرضا شیبی مطهر، خودباوری فرمگی، ص ۹۶.
۱۰۶. امام خمینی (ره) و گفتنمان غرب، ص ۱۶۶.

۱۰۷. رمیختی به منظومه فکری امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، ص ۹۶.

۱۰۸. تهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۶۳.

۱۰۹. همان، ش ۳۱۹.

۱۱۰. محمدتقی مصباح یزدی، نهج‌المصباح، ص ۱۵۱.

۱۱۱. همان، ص ۱۶۵.

۱۱۲. آل عمران: ۱۰۴.

۱۱۳. آل عمران: ۱۱۰.

۱۱۴. محمد حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۲۵، ج ۲۱۸۱۸، ص ۳۸۱.

۱۱۵. مرتضی خمینی اصفهانی، نهج‌المصباح، صص ۱۶۲-۱۶۴.

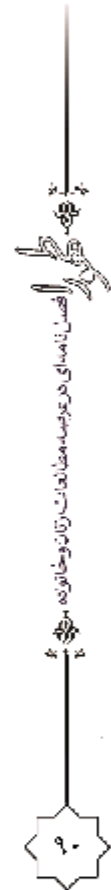
۱۱۶. تهج البلاغه، نامه ۴۷.

۱۱۷. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۹، باب وعرهها، ج ۶.



فهرست منابع

- به قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- به صحیح ابی‌داؤد، ترجمه علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران، فیض الاسلام، ۱۳۵۱.
۱. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
 ۲. آصفی، محمد مهدی، دنیای اسلام و مهاجم فرهنگی غرب، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، [بی‌تا].
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، اندیشه مولانا، ۱۳۸۸.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۷م.
 ۵. اصفهانی، راضی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
 ۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تصحیح: مصطفی دیب البیاض، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۴هـ.ق.
 ۷. بهار، مهدی، مطالعات فرهنگی: اصول و مبانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
 ۸. بهلوان، جنگیز، فرهنگ شناسی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸.
 ۹. تنکابنی، فرید (ترجمه)، صحیح الفصاحه (کلمات قصار رسول اکرم/ص)، تهران، نشر فرهنگ، ۱۳۸۰.
 ۱۰. تقوی دامغانی، رضا، تأملات فرهنگی، تهران، نشر نخل، ۱۳۸۵.
 ۱۱. جمعی از محققان، رمیاتی به منظومه فکری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، تهران، دفتر فرهنگی قهرالاننده، ۱۳۸۹.
 ۱۲. چراغی کوشلی، اسماعیل، خانواده در اسلام و فمینیسم (تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.
 ۱۳. حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیخه فی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶هـ.ق.
 ۱۴. حسینی اصفهانی، حمید مرتضی، مهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات فرهنگ قرآن، ۱۳۷۹.
 ۱۵. خالقی هکنده، علی، امام خمینی (ره) و گفت‌وگو با غرب، تهران، انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
 ۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه‌ها، [بی‌تا].
 ۱۷. سالاری فر، محمدرضا، خانواده درنگرش اسلام و روانشناسی، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
 ۱۸. شایان مهر، علی، دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
 ۱۹. شفیعی مطهر، علیرضا، خودباوری فرهنگی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی امام عصر (ع)، ۱۳۷۹.
 ۲۰. علی خانی، محمد فتح، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
 ۲۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، سپهر، ۱۳۷۵.



۱۱۷. قاسمی، حکیمده، دختران آرزوها، حضرت ما، [بی‌جا]، [بی‌تا].
۱۱۸. کاشفی، محمدرضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۱۹. کوهی، محمدرضا، آسیب‌شناسی شخصیت زن (با تأکید بر لایق‌بندی و بلوغ‌جایی)، قم، پارس‌ویان، ۱۳۸۳.
۱۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد، خانواده اسلام و فمینیسم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۱۲۱. _____، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و روایات، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۱۲۲. مدنی بجنانی، محمود، فساد سلاح تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۶.
۱۲۳. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهاجم فرهنگی از نگاه تاریخ، تهران، معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۷۵.
۱۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق محمد حسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۱۲۵. _____، تهاجم فرهنگی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
۱۲۶. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۷۹.
۱۲۷. معین الاسلام، زهرا و علی غلامی، زن منتظر و منتظر پروری، تهران، مؤسسه علمی فرهنگی زمان منتظر، ۱۳۸۹.
۱۲۸. میرخلف‌زاده، علی، داستان‌هایی از پوشش و حجاب، قم، مهدی‌بار، ۱۳۸۰.
۱۲۹. نگارش، حمید، مریت دینی و تقطاع فرهنگی، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۰.
- تندریات، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی**
۱. [بی‌نام]، فرهنگ تلویزیونی، نشریه سیاحت غرب، ش ۲۷، مهر ۱۳۸۶.
۲. بولین، حکمت، تأثیر تلویزیون بر خانواده، ترجمه وحید پیشوایی، فصلنامه تخصصی رسانه و خانواده، مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ش ۱، زمستان ۱۳۹۰.
۳. حاوودلی شاهدین، حمید، «کیوه‌های تهاجم فرهنگی»، پایگاه اطلاع‌رسانی <http://www.aviny.com>، ۱۳۹۱.
۴. حیدری، غلام‌رسول، «افغانستان، فرهنگ، تمدن»، فصلنامه نگاه اندیشه، سال چهارم، ش ۶، ۱۳۸۹.
۵. دی کتارو، گسپ، «چگونه با اعتیاد مبارزه کنیم»، نشریه علوم انسانی، ش ۲۰۶، مرداد ۱۳۶۶.

۶. رحایی، محمدقاسم، نقش خانواده در فرآیند رشد اجتماعی، فصلنامه بلاغ، ش ۲۸ و ۲۹، زمستان ۸۶ و بهار ۸۷.
۷. رحبی، عباس، احجاب و نقش آن در سلامت روان، ماهنامه پیام زن، ش ۲۱۷، ۱۳۸۹.
۸. رمصدانی نرگسی، رضا، مدیریتم خانواده و طلاق - نگاهی بر توسعه در افزایش طلاق و انحلال خانواده، مجموعه مقالات آسیشناسی خانواده، به کوشش سیدجعفر حق شناس، تهران، مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸.
۹. شاهرخ زاده، زهرا، نهادم فرهنگی، تحقیق پابسی، دوره کارشناسی، جامعه الزهرا، ۱۳۷۶.
۱۰. موسوی، سید رضا، نیروهای ناتو مستقر بر بام خانه، فصلنامه فرهنگ پویا، ش ۸ و ۹، ۱۳۸۷.
۱۱. داوود میرزایی، خانواده و مقابله با نهادم فرهنگی، پایگاه اطلاع رسانی <http://www.ido.ir>
۱۲. واحد خبری سازمان عقیدتی سیاسی نهاد، مجرایه اعتیاد گرفتار شدم؟، ماهنامه ارتش جمهوری اسلامی، ش ۶۶، آبان ۱۳۶۵.
۱۳. پایگاه اطلاع رسانی <http://www.psyop>، فروردین ۱۳۹۱.

